

## حمایت‌های مردمی از نهضت ملی شدن نفت

حسین بهنام

بعد از سقوط رضاشاه، مسئله نفت به یکی از مهم‌ترین مسائل کشور تبدیل شد، به طوری که سیاست ایران تحت تأثیر مسئله نفت قرار گرفت. ابتدا در دولت «سهیلی» مذاکرات پنهانی با شرکت‌های آمریکایی شروع شد، ولی در دوره «ساعد» با بر ملا شدن آن، موجی از اعتراضات به ویژه در مجلس به راه افتاد. همین امر کافی بود تا شوروی هم برای گرفتن امتیاز نفت شمال، نماینده‌ای به ایران بفرستد. سفر «کافتارادزه» با استقبال حزب توده همراه شد، اما طرح موازنه منفی که دکتر مصدق در مجلس به تصویب رساند، این تلاش را ناکام گذاشت. دولت شوروی که نمی‌خواست عقب نشینی کند، کمونیست‌ها را در آذربایجان تقویت کرد تا از این راه، دولت مرکزی را تحت فشار قرار داده، به منافع مورد نظر خود برسد. از سوی دیگر احمد قوام موفق شد با امضای یک توافق‌نامه با «سادچیکف»، سفیر کبیر شوروی، آنها را مطمئن نماید که امتیاز را به شرط موافقت مجلس به آن کشور واگذار خواهد کرد.

با سرکوب فرقه دموکرات آذربایجان و افتتاح مجلس پانزدهم، قوام توافق‌نامه را به مجلس برد، اما در مهرماه ۱۳۲۶ مجلس آن را کأن لم یکن اعلام کرد. در همین زمان مسئله نفت جنوب هم مطرح گردید، اما نمایندگان علاقه‌ای به بحث بر سر آن نشان ندادند و طرح در مجلس مسکوت ماند. شرکت نفت انگلیس که احساس خطر کرده بود، سعی کرد با یک قرارداد الحاقی، موقعیتش را مستحکم کند، اما دولت‌های حکیمی و هژیر نتوانستند شرکت را راضی به دادن سهم بیشتر به ایران نمایند و سرانجام بعد از مدت‌ها مذاکره در تیرماه ۱۳۲۸، گلشائیان وزیر دارایی دولت ساعد با «نویل گس»، لایحه الحاقی گس - گلشائیان را امضا و برای تصویب به مجلس فرستادند، اما با مخالفت مکی، بقایی، حائری زاده، رضوی و آزاد و سخنرانی‌های طولانی آنها، آخرین ساعات مجلس پانزدهم سپری گردید و لایحه تصویب نشد.

دولت که سعی داشت نمایندگانی حرف شنو به مجلس شانزدهم راه یابند، در انتخابات شهریور ۱۳۲۸

حمایت‌های مردمی از نهضت ملی شدن نفت / حسین بهنام

دخالت کرد و گروهی که به نام «جبهه ملی» شهرت یافتند، به اقدام دولت اعتراض کردند؛ در نتیجه دولت مجبور شد که انتخابات تهران را باطل اعلام کند. در انتخابات بعد، هفت نفر از نمایندگان جبهه ملی به مجلس راه یافتند. آنها به ریاست دکتر مصدق، فراکسیون نهضت ملی را تشکیل دادند که مسئله نفت را در اولویت برنامه‌ها قرار داد. در دوره نخست‌وزیری منصور، کمیسیون نفت تشکیل شد تا برای استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت چاره‌ای بیندیشد. سرانجام با تلاش‌های مصدق و حمایت‌های مردمی در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، صنعت نفت ملی اعلام شد.

این امر ضربه مهلکی بر پیکره انگلستان وارد آورد. با نخست‌وزیری مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰ و تصویب قانون خلع ید، مبارزه انگلستان با دکتر مصدق وارد مرحله جدیدی شد. دکتر مصدق در اواخر اردیبهشت، هیئت خلع ید (مرکب از چندتن از نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا) را به ریاست مهندس بازرگان به آبادان فرستاد.

آنها ضمن پایین کشیدن تابلو شرکت نفت انگلیس، تابلو شرکت ملی نفت ایران را نصب کرده، پرچم ایران را بر فراز آن برافراشتند. این اقدام بر انگلیسی‌ها بسیار گران آمد، چرا که بعد از هند، آبادان نمودار عظمت امپراتوری بریتانیا بود. با از دست رفتن هند و سپس آبادان، اعتبار جهانی بریتانیا آسیب پذیر شده بود؛ بنابراین «اتلی» نخست‌وزیر انگلستان، از هیچ اقدامی برای رهایی از این بحران کوتاهی نکرد. برخورد دولت انگلیس با مسئله ملی شدن نفت در ایران و دولت مصدق، دارای سه وجه مختلف بود: ۱- وجه دوستانه و مسالمت جویانه؛ ۲- وجه خشن و خصمانه و ۳- وجه حقوقی و قضایی

در رویکرد دوستانه، دولت و شرکت نفت انگلیس هیأتی را برای مذاکره با دولت ایران اعزام کردند. این هیأت برقراری سهم پنجاه- پنجاه را میان ایران و شرکت نفت انگلیس پیشنهاد کرد که به گفته آنان «نوعی ملی شدن» نفت برای ایران به حساب می‌آمد، اما مصدق آن را نپذیرفت و ملی شدن را فقط یک نوع و آن هم «نوع واقعی» دانست.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، مذاکرات شکست خورد. از این پس وجه دوم برخورد انگلیس یعنی برخورد خشن و خصمانه ظاهر شد. با شکست مذاکرات، دولت انگلستان ایران را تهدید به عملیات نظامی کرد و چند ناو جنگی و چند هزار چترباز را در منطقه خلیج فارس مستقر کرده، به حالت آماده باش نظامی درآورد. آمریکا با این طرح مخالفت کرد، زیرا از دخالت مشاپه شوروی در شمال ایران نگران بود؛ همچنین تجاوز نظامی به ایران آن هم به دلیل ملی کردن منابع خود می‌توانست افکار عمومی جهان را ضد انگلیس برانگیزد؛ از این رو طرح عملیات نظامی کنار گذاشته شد و دولت انگلیس به برخورد حقوقی با قضیه نفت روی آورد.

در ۳۱ خرداد ۱۳۳۰، دولت انگلیس به دیوان داوری لاهه شکایت کرد و خواستار صدور قرار «اقدامات تأمینیه» از طرف دیوان گردید که مقصود از آن این بود که ایران تا زمانی که تکلیف مسئله نفت روشن

۱. نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳.

نشده، از مداخله در کار شرکت خودداری و جریان خلع ید را متوقف کند. با صدور قرار تأمینیه توسط دیوان لاهه، دولت ایران به علت آنکه دیوان لاهه را برای طرح چنین موضوعاتی دارای صلاحیت نمی دانست، قرار صادره را مردود اعلام کرد و به عملیات خلع ید انگلیسی ها از صنایع نفت، تا آخر ادامه داد.

در ۵ مهر ۱۳۳۰، دولت انگلیس با انتشار اطلاعیه‌ای، ایران را به خاطر نادیده گرفتن قرار تأمینیه صادره توسط دیوان لاهه، متخلف اعلام کرد و خواستار رسیدگی شورای امنیت سازمان ملل به این قضیه شد. شورای امنیت نیز ابتدا ۱۹ مهر را برای رسیدگی به شکایت انگلیس در نظر گرفت، ولی به دلیل همزمانی با ایام تاسوعا و عاشورا به درخواست مصدق آن را سه روز به تأخیر انداخت.<sup>۱</sup>

دکتر مصدق در ۱۴ مهر ۱۳۳۰ در رأس هیأتی، عازم نیویورک شد. او طی نطقی در شورای امنیت به دفاع از حق ایران پرداخت. پس از چند روز بحث و با اعلام مواضع کشورهای مختلف در قبال مسئله نفت ایران سرانجام پیشنهاد دولت فرانسه با اکثریت آرا به تصویب رسید. بر اساس این پیشنهاد موضوع درخواست دولت انگلستان، تا اخذ تصمیم نهایی در دیوان داوری لاهه، راجع به صلاحیت ارگان‌های سازمان ملل برای رسیدگی به مسئله نفت ایران، مسکوت می ماند.

در این زمان انگلستان محاصره اقتصادی خود را برای به زانو درآوردن مصدق و وادار کردن او به تسلیم، آغاز کرده بود و با توجه به نیروی دریایی قدرتمندی که در اختیار داشت، از ورود کالاهای مورد نیاز به ایران و صادرات نفت جلوگیری می کرد.

در فروردین ۱۳۳۱ دولت انگلستان دادخواستی را ضد ایران به دیوان لاهه ارائه کرد؛ با این مضمون که دولت ایران حق الغای یک جانبه قرارداد نفتی ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) را که در زمان رضا شاه منعقد شده بود، ندارد و از این رو قانون ملی شدن نفت ایران مغایر با قوانین بین المللی است.

دیوان لاهه نیز روز ۱۹ خرداد ۱۳۳۱ را برای بررسی شکایت انگلیس تعیین نمود. مصدق تصمیم گرفت برای دفاع از حق ایران، خود به لاهه برود؛ از این رو در ۴ خرداد ماه، مجلس شورای ملی را در جریان تصمیم خود گذاشت و پیامی از رادیو خطاب به ملت ایران در این باره فرستاد. او در این پیام از صبر و شکیبایی مردم تشکر کرد و هدف از فشارهای اقتصادی و سیاسی بین المللی ضد ایران را ناامید ساختن خود از «پیشرفت منویات ملی» دانست.<sup>۲</sup> روز ۷ خرداد ۱۳۳۱، مصدق و همراهانش عازم لاهه شدند. روز ۱۹ خرداد فرا رسید و دادگاه تشکیل شد. تعداد تماشاچیان آن قدر زیاد بود که عده‌ای مجبور شدند جریان دادگاه را ایستاده تماشا کنند.<sup>۳</sup>

پس از افتتاح جلسه، مصدق به زبان فرانسه نطقی ایراد کرد و در آن ضمن دفاع از حق ایران، به بازگویی سیاست‌های استعماری انگلیس در ایران از قرن ۱۹ به بعد پرداخت. وی شرکت نفت انگلیس را دولتی درون

۱. نجاتی، غلامرضا، در کنار پدرم مصدق؛ خاطرات دکتر غلامحسین مصدق، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ

دوم، ۱۳۶۹، ص ۸۴.

۲. نجاتی، جنیش ملی شدن صنعت نفت، ص ۲۱۴.

۳. نجاتی، در کنار پدرم مصدق، ص ۱۰۸.

حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت/ حسین بهنام

قلمرو ایران خواند که علاوه بر حوزه عملیاتی خود، به جاسوسی در همه نقاط ایران می پردازد و با بیچاره کردن مردم ایران، جیب خود را پر می کند. او در این سخنرانی اظهار کرد: « برای من جای تردید نیست که مقصود از مراجعه به شورای امنیت و دیوان بین المللی آن است که باز از ما تعهدات مشابهی تحصیل کنند و حال آنکه یادگارهای تلخ و اجحافات امتیاز ۱۹۳۳ هنوز از خاطرها محو نشده و اگر بنا بود اداره صنایع ملی شده را دوباره تسلیم بیگانگان کنیم، اساساً چه حاجتی به ملی کردن صنعت نفت داشتیم؟<sup>۱</sup> وی در فراز دیگری از سخنرانی خود، خطاب به اعضای دیوان، به آنها یادآور شد که نخواهند توانست حق دفاع را از ملت ایران بگیرند. وی از آنها خواست تا احساسات ملی ایرانیان را درک کنند. او همچنین بار دیگر صلاحیت دیوان لاهه را برای رسیدگی به شکایت دولت انگلیس ضد ایران رد کرد.

در جریان سخنرانی مصدق، عده ای از تماشاچیان که از بیانات پرشور وی دچار احساسات شده بودند، به گریه افتادند. پس از نطق مصدق، پروفیسور رولن، استاد دانشگاه و رئیس سابق سنای بلژیک که وکالت ایران را به عهده گرفته بود، به تشریح دلایل ایران برای اثبات عدم صلاحیت دیوان لاهه در موضوع شکایت انگلیس پرداخت. وی قرارداد ۱۹۳۳ را بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس دانست نه بین دو دولت و به همین دلیل آن را موضوعی خارج از حیطه وظایف دیوان لاهه اعلام کرد. دفاعیات وکیل ایران، چند روز به طول انجامید. تحلیل گران حقوقی و سیاسی، این دفاعیات را مستدل و عالی توصیف کرده، پیش بینی کردند که دادگاه به نفع ایران رأی خواهد داد.

پس از دفاعیات ایران، وکلای انگلستان نیز دعاوی خود را مطرح کردند. مصدق به ایران بازگشت و دادگاه پس از دوازده جلسه رسیدگی وارد شور شد. سرانجام روز ۳۱ تیر ۱۳۳۱ ( ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲) دیوان رأی خود را صادر کرد.

از چهارده قاضی، نه تن به سود ایران و به عدم صلاحیت دیوان لاهه در رسیدگی به دادخواست انگلستان رأی دادند و عجیب اینکه قاضی انگلیسی نیز به نفع ایران رأی داد.

با رسیدن خبر رأی صادره دیوان لاهه به ایران، موجی از شادی در میان مردم به راه افتاد تا آنجا که شاه نیز با همه خصوصیتی که با مصدق داشت، نتوانست در مقابل این پیروزی سکوت کند و پیامی بدین مضمون، خطاب به ملت ایران فرستاد: «موفقیت ایران را در دادگاه لاهه به عموم هموطنان عزیز، صمیمانه تبریک می گویم و بدین وسیله از اهتمام جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر و تمام ملت ایران که در این راه هم صدا بوده اند، قدردانی و تشکر می کنم. این پیروزی، قدم مهمی است در راه توفیق نهایی و رسیدن به آمال و آرزوهای ملی. محمد رضا پهلوی ۱۳۳۱/۵/۱»<sup>۲</sup>

با ذکر این مقدمه، به معرفی و شرح اسنادی از دوره نخست وزیری دکتر مصدق می پردازیم که حاکی از حمایت و پشتیبانی آحاد و گروه های مختلف جامعه (با سلايق گوناگون) از تلاش های وی برای دفاع

۱. مصدق، محمد، *خاطرات و تألمات مصدق*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات پاییز، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ص ۲۴۳.  
 ۲. نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۲۱۷.

حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت / حسین بهنام

از حق ایران در دادگاه لاهه و همچنین در راه ملی کردن نفت هستند. این اسناد<sup>۱</sup> در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شوند که در اینجا به معرفی و شرح گزیده‌ای از آنها می‌پردازیم. توضیح اینکه، سندهای شماره ۱ تا ۱۲ مربوط به اعلام حمایت و پشتیبانی افراد و گروه‌ها از سفر دکتر مصدق به دیوان داوری لاهه برای دفاع از حق ایران است و سندهای شماره ۱۳ تا ۲۲ نیز نامه‌ها و تلگراف‌های افراد و گروه‌های مختلف در پشتیبانی از دکتر مصدق و دولت وی در برابر مخالفان داخلی (از قبیل بعضی نمایندگان مجالس شورای ملی و سنا) است که در صدد برکناری وی از نخست‌وزیری بودند.

### شرح اسناد

#### سند شماره ۱:

تلگراف از خرمشهر به ط [تهران]

[۱۳۳۱]/۲/۲۸

مجلس شورای ملی، رونوشت مجلس سنا، رونوشت اداره انتشارات و تبلیغات تهران در این موقع که به یاری خداوند متعال و ائمه اطهار، یگانه رادمرد و قهرمان ایران و شرق یعنی جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر محبوب عازم دیوان داوری لاهه هستند که بار دیگر اعمال شرکت سابق نفت و افکار پلید استثمارطلب و غاصبین حقوق بشریت را به دنیای متمدن قرن بیستم بنمایانند، اینجانبان امضاکنندگان این تلگراف، پشتیبانی کامل خود را نسبت به عمل آقای دکتر مصدق عرض و با کمال امیدواری و توسل به شرافت ملی و وطن پرستی ایشان که در کلیه مراحل و دوره زمامداری خود به عرصه بروز و ظهور رسانیده، موفقیت کامل ایشان را خواستاریم و در راه منظور و مقصود و هدف معظم الله [له] با بذل مال، آمادگی خود را اعلام می‌داریم.  
[با امضای جمعی از اهالی خرمشهر]

#### سند شماره ۳:

تلگراف از خرمشهر به ط [تهران]

[۱۳۳۱]/۲/۲۹

جناب آقای دکتر محمد مصدق، رونوشت مجلس شورا، رونوشت مجلس سنا  
قلباً برای پشتیبانی و موفقیت آن جناب در دادگاه لاهه، موهای سفید خود را پریشان [می‌کنم] و دعاگو  
هستم. دست خدا به همراه مادر رضایی نژاد [از] خرمشهر

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره اول مجلس سنا، کارتن ۱۳۷۶، پوشه ۳.

#### سند شماره ۴ :

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

رونوشت مجلس سنا، رونوشت مجلس شورای ملی، رونوشت انتشارات و تبلیغات طهران [تهران]،  
رونوشت انتشارات و تبلیغات رادیو اهواز

موفقیت کامل مسافرت تاریخی آن فرزند رشید وطن را که برای احقاق حق مردم ستمدیده ایران به دیوان لاهه عزیمت می فرمایند، از خداوند متعال مسئلت می نمایم. ما ایرانی ها مطمئن هستیم نمایندگان حقیقی غیور و وطن پرست مجلسین شورا و سنا منویات عالی را تأیید و پشتیبانی خواهند نمود. جناب آقای دکتر محمد مصدق یقین می داریم که ملت نجیب ایران تا پیروزی نهایی از پای نخواهد نشست و به دنیا اعلام می داریم پشتیبان جناب آقای دکتر محمد مصدق برای به دست آوردن حق قانونی و دفاع از منویات مبارکشان تا پای جان ایستادگی خواهیم نمود. از جان ناقابل خود گذشته، با صدای رسا می گوئیم انگلوساکسن ها بدانند دیگر دوره آقایی آنها گذشته است. مطمئن باشید همیشه از نیات پاک آن جناب تا آخرین قطره خونمان مضایقه نخواهیم نمود. پیروز باد مردمان نجیب و بدبخت و محروم ایران.  
از طرف سازمان جوانان مبارز وطن پرست اهواز، جری آل خمیس مکتونچی غله اهواز ۳۱/۲/۳۰

#### سند شماره ۵ :

۳۱/۳/۸

ساحت مقدس مجلس سنا - شیدالله ارکانه - :

با نهایت احترام به عرض عالی می‌رساند در این موقع حساس که جناب آقای دکتر مصدق عازم لاهه برای دفاع [از] حقوق حقه ملت ایران هستند و برای بار دوم می‌خواهند که با اثبات مظلومیت ملت ایران ظلم و تعدی انگلیسی‌های غاصب را به دنیا که در تمام مدت ۵۰ سال آنچه را از منابع کشور ما برده‌اند، به غصب و ظالمانه و با زور برده‌اند، ثابت کند، شایسته و سزاوار نیست که مجلسین محترم که حافظ حقوق ملت و کشور ایران می‌باشند با جناب ایشان کوچک‌ترین مخالفتی را ابراز دارند و به عملیات دولت ایشان خورده [خرده] گیری و یا مأخذ [مؤاخذ] نمایند. وظیفه حفظ حقوق از موکلین خود شما آن است که با اتفاق و اتحاد در [ناخوانا] و فشار خارجی‌ها دست اتحاد به دولت ایشان داده و با تمام قوا پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق فرموده و تا روزی که دست این غاصبین یغماگر [را] از کشور ایران به کلی کلی کوتاه ساختید و شروع به بهره‌برداری از منابع نفت خود نمودید، آن وقت لازم و بلکه واجب است که امورات محوله به آن را مورد مأخذ [مؤاخذ] و پرسش قرار دهید و به اصلاحات امورات کشوری بپردازید.

ای آقایان محترم! خدمات جناب آقای دکتر مصدق به کشور و ملت ایران عملی نیست که بتوان با قلم و بیان تعریف کرد، بلکه تاریخ ایران آینده قضاوت خواهد نمود. سزاوار نیست جز تقدیر و سپاسگزاری کوچک‌ترین خورده [خرده] گیری را از عمل این رادمرد وطن‌پرست نموده، قسم به خدای واحد بیرون راندن انگلیسی‌ها از سرزمین آبادان و بستن آن لانه‌های فساد که به نام کنسول خانه بود از شکست دادن به دولت

حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت / حسین بهنام

مقتدر آلمان مشکل تر بود. برای ملت ایران که جناب ایشان با کمال سهولت و بدون قطره‌یی خونی که از دماغی بیاید، آنها را اخراج نمود. بیایید برای رضای خدا و ملت فقیر ایران این دولت را تقویت نمایید. شاید ملت ایران از این مذلت برهند. و سلام [والسلام] با تقدیم احترامات فائقه [با امضای] حبیب الله غفاری نراقی گلشن [از] همدان

#### سند شماره ۶ :

تهران

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب و ملی ایران  
رونوشت مجلس شورای ملی، رونوشت مجلس سنا، رونوشت اداره روزنامه باختر امروز، رونوشت اداره تبلیغات و انتشارات، رونوشت اداره رادیوی تبریز  
در این موقع که خبر مسافرت آن نخست وزیر محبوب به دیوان بین‌المللی دادگاه لاهه برای دفاع از حقوق ملت ایران قلوب عوامل ورشکسته و رسوای بیگانه را ماتم زده و دل‌های آکنده از مهر خدا، شاه، میهن را مملو از شادی و مسرت نموده است، اینجانبان امضاکنندگان زیر، پشتیبانی کامل خود را از نخست وزیر محبوب اعلام و از خداوند احدیت مسئلت داریم که در این مبارزه حق و باطل خونخواران از گار [روزگار] و بی‌حقیقت استعمار را مفتضح و ملت ایران را مؤید و منصور فرماید. ۳۱/۳/۱ [با امضای جمعی از اهالی تبریز]

#### سند شماره ۷ :

تلگراف از کرمانشاه به ط [تهران]

[۱۳۳۱/۳/۳]

نخست وزیر رونوشت اداره تبلیغات، رونوشت مجلس سنا  
اینجانبان امضاکنندگان زیر بنا به دعوت اتحادیه رانندگان کرمانشاه که مجلس دعایی به مناسبت تشریف‌فرمایی جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب ایران به دیوان بین‌المللی لاهه جهت احقاق حق ملت نجیب ایران که در مسجد جامع کرمانشاه منعقد بود حاضر شده و پشتیبانی و موفقیت آن جناب را از درگاه ایزد تعالی خواستاریم و امیدواریم که جناب ایشان در این امر ملی موفق و منصور و دشمنان ایران و ایرانیان نابود باد.

زنده باد ایران، پاینده باد شاهنشاه ایران، پیروز باد نخست وزیر محبوب و پولادین ایران  
هیئت مدیره اتحادیه رانندگان کرمانشاه [با امضای چند نفر] و پانصد امضای دیگر از رانندگان

حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت/ حسین بهنام

**سند شماره ۱۵ :**

تلگراف از قزوین به ط [تهران]

[۱۳۳۱]/۴/۱۲

ساحت مقدس مجلس شورای ملی، رونوشت مجلس محترم سنا، رونوشت اداره تبلیغات اتحادیه صنف بارفروش شهرستان قزوین به نمایندگی از طرف یک هزار و پانصد نفر افراد صنف بارفروش و علاف، بدین وسیله اعتماد و پشتیبانی خود را در این موقع خطیر از دولت به تمام معنی ملی جناب آقای دکتر مصدق، پیشوای محبوب ملت ایران جاناً و مالاً اعلام می‌دارد. اتحادیه صنف بارفروش شهرستان قزوین

**سند شماره ۱۷ :**

تلگراف از کرمانشاه به ت [تهران]

[۱۳۳۱]/۴/۱۶

به وسیله آقای نادعلی خان کریمی [به] ریاست محترم مجلس شورای ملی رونوشت مجلس سنا بدین وسیله پشتیبانی خود را به منظور عظمت وطن عزیز به آقای دکتر مصدق ابراز داشته و از مجلسین خواهانیم که علی رغم اجانب، با رأی دادن رأی اعتماد به دکتر مصدق، وظیفه ملی خود [را] به ایشان ادا نمایند.

از طرف هیئت انصار ابوالفضل کرمانشاه [با امضای] عزیز افکار

**سند شماره ۱۸ :**

تلگراف از بوشهر به ط [تهران]

جنابان آقایان اخگر و احمد نوروزی، رونوشت رئیس محترم مجلس سنا، رونوشت اداره تبلیغات به پاس خدمات ذی قیمت جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر محبوب رهبر آزادی خواهان و شکننده طلسم استعمار و به پا کننده ایران نوین [که] مورد علاقه قاطبه ملت ایران به ویژه اهالی بوشهر [و] بنادر جنوب می‌باشد، لذا از مجلس جداً خواهانیم که مجدداً جناب آقای دکتر مصدق [را] به نخست وزیری منصوب و رأی اعتماد به معظم له دهند.

از طرف معمارهای بوشهر [با امضای] علی رجب پور



حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت / حسین بهنام

**سند شماره ۱۹:**

تلگراف از خمین به تهران

[۱۳۳۱/۴/۱۴]

توسط حضرت آیت الله کاشانی مجلس شورا دو رونوشت [به] مجلس سنا [و] جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر معتمد ملی  
احقر، پشتیبانی کامل اهالی خمین و کمره را نسبت به آقای دکتر [مصدق] معروض [می دارم]. استعفای  
ایشان مستلزم احیای سیاست خارجی بوده، اهالی [ایران] استقلال خود را فدای شهوات ایرانی‌نماهای  
بیگانه نمی‌نمایند. اشخاص [اشخاصی] را مسلمان ایرانی می‌شناسند که پیرو حضرت آیت الله کاشانی و  
دکتر معظم باشند. دشمنان قسم خورده ایران که اجباراً کرسی‌ها را اشغال کرده‌اند، حق رأی بر علیه دکتر  
محترم ندارند.  
الاحقر سید مرتضی پسندیده

**سند شماره ۲۰:**

۱۳۳۱/۴/ ۱۵

ریاست محترم مجلس سنا - دام بقائه - :  
رونوشت اداره کار و تبلیغات، رونوشت جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر، رونوشت مجلس  
شورای ملی، رونوشت مجلس سنا، رونوشت آقای آیت الله کاشانی  
اینجانب عزت الله فروتن بختیاری، با صدای بلند گوش‌زد می‌نمایم اگر دولت جناب آقای دکتر مصدق  
دارند از کار برکنار شود [می‌شوند] در خوزستان مخصوصاً عشایر بختیاری که بی‌نهایت علاقه و محبت  
به شخص آقای دکتر مصدق دارند، ناراضی [شده] و باز بنای زد و خورد و برادرکشی شروع خواهد شد و  
اشخاصی که انتظار آمدن انگلیسی‌ها را دارند، این آرزو را با خود به گور خواهند برد.  
با تقدیم احترامات فائقه، عزت فروتن بختیاری [ امضا]

**سند شماره ۲۱:**

تلگراف از اصفهان به ط تهران

[۱۳۳۱]/۵/۱

حمایت های مردمی از نهضت ملی شدن نفت/ حسین بهنام

مجلس شورای ملی، رونوشت مجلس سنا، رونوشت دکتر شایگان  
آیا سیل احساسات و طومارهایی که از هر شهرستان حتی به خون دهها هزار نفر مردم وطن پرست تهیه  
و به مجلس فرستاده[اند] اینقدر بی ارزش بود که جمعی از نمایندگان علی رغم تمام این احساسات، دکتر  
مصدق را کنار گذارده و دیگری را برای زمامداری در نظر بگیرند؟ [؟] ما پزشکان اصفهان بار دیگر اعلام  
می کنیم مصدق تنها زمامداری است که می تواند مورد حمایت ملت قرار گیرد. حبس، شکنجه و هیچ نوع  
اقدامی نمی تواند ملت ما را از راه راست منحرف نماید. ما تا آخرین قطره خون در مقابل چنین حکومت های  
تحمیلی ایستادگی خواهیم کرد. این تلگراف روز جمعه ۳۱/۴/۲۸ تهیه شد، ولی مانع مخابره شدند [با  
امضای جمعی از پزشکان اصفهان]

